

دعوی عباسی و علی آبادی در لندن خیلی در دسر درست کرد

افشارزاده: سوریان اشکام را در آورد

چهار دوره دبیرکلی کمیته ملی المپیک، از بهرام افشارزاده چهره‌ی متفاوتی در بین مدیران ورزشی ساخته است، اما بهانه‌ای که باعث شد به سراغش برویم این نیست. او جز دبیرکلی کمیته، در پست‌های دیگری فعالیت داشت و بیش از ۴۵ سال حضور مستمر در ورزش، حکایت از این دارد که او چه گنجینه‌ای است برای تاریخ شفاهی ورزش ایران. اما صحبت درباره‌ی همه‌ی اتفاق‌ها و رویدادها در این مقاله نمی‌گنجد و به همین خاطر دو برش از تاریخ ورزش ایران را در نظر می‌گیریم و چند دقیقه‌ای با بهرام افشارزاده همکلام می‌شویم. یکی، المپیک آتن که ماجرای آرش میراسماعیلی و مبارزه نکردن با رژیم اشغالگر قدس پیش آمد و بعد هم، بهترین المپیک ورزش ایران از نظر مدال‌آوری؛ ۲۰۱۲ لندن که افشارزاده سرپرست کاروان اعزامی بود و می‌گوید دیگر برای ورزش ایران تکرار نمی‌شود.

در آتن همه چیز آنطور که دیده شد، نبود

۲۰۰۴ آتن یکی از المپیک‌هایی است که هنوز می‌توان درباره‌اش حرف زد. انگار حرف‌های مگوی زیادی درباره‌ی این المپیک وجود دارد. وقتی اسم این المپیک می‌آید، افشارزاده می‌گوید برخی حرف‌ها باید به امانت بماند و هیچوقت نمی‌توان آنها را نوشت. شاید جایی در خاطرات شخصی‌ام داشته باشند. او با مرور آنها می‌رسد به شیبی که آرش میراسماعیلی، مقابل نماینده‌ی رژیم اشغالگر قدس مسابقه نداد: «صحبت‌های زیادی ردوبدل شد. این موضوع اتفاق افتاده بود و باید مدیریت می‌کردیم تا کاروان ایران و به تبع آن، ورزش کشور کمترین آسیب را ببیند. شاید برخی بی‌انصافی کنند و بگویند بزرگ‌نمایی کردند، اما ما در آتن تا آستانه تعلیق پیش رفتیم و اگر مسئولان کمیته و سرپرست کاروان به‌خوبی مدیریت نمی‌کردند، ممکن بود کل ورزش کشور تعلیق شود. بعد از این المپیک، هوشیارتر رفتار کردیم و اگر جایی مشخص می‌شد که حضور ورزشکاران از اسرائیل در یکی از اوزان ورزشکاران ما در رشته‌های مختلف، قطعی شده است، ثبت‌نام ورزشکار را لغو می‌کردیم؛ مثل ماجرای که در لندن و در ارتباط با یکی از جودوکاران اتفاق افتاد.» او ادامه می‌دهد: «کمیته بین‌المللی المپیک برای رویدادهای مختلف از افرادی استفاده می‌کند که کارکشته‌اند و سال‌هاست که حضور دارند. آشنایی ما با این افراد و صحبت‌های مستمری که شد، باعث شد خطر صد درصدی تعلیق رفع شود. البته هرچه جلوتر آمدیم، کار ورزش ایران در این حوزه سخت‌تر شد.» افشارزاده در این بخش از صحبت‌هایش یک پراتنز باز می‌کند و تاکید دارد که به علت همین مسائل، سرپرست کاروان ایران در رویدادی مثل المپیک باید باتجربه باشد: «خیلی وقت‌ها می‌گویند از جوانان استفاده شود. من هم قائلم به اینکه باید نیروهای جوان به کار گرفته شوند، اما نفر اول باید از افراد کارکشته باشد و بعد از اینکه چند سالی یکی از جوانان،

در دوره‌های مختلف المپیک حضور داشت و باتجربه شد، به او فرصت سرپرستی داده شود. جنس دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی که ممکن است برای کاروان ایران پیش بیاید، با بقیه‌ی کاروان‌ها متفاوت است و به همین خاطر یک نیروی بی‌تجربه از پس کار برنمی‌آید.»

ورزشکاران از اختلاف وزارت و کمیته آسیب ندیدند

با این توضیح، افشارزاده از آتن می‌گذرد و به لندن می‌رسد؛ دوره‌ای که هم دبیر کل کمیته بود و هم سرپرست کاروان اعزامی به المپیک. او در مقطعی این مسئولیت را برعهده داشت که بیشترین اختلاف‌ها بین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک به‌وجود آمده بود: «در لندن اذیت شدم و از اختلاف آقای عباسی و علی‌آبادی صدمه دیدم. این اختلاف، دردسرهای زیادی را برای کاروان ایجاد کرد. البته سعی کردم با روش‌های مختلف آن را مدیریت کنم تا ورزشکاران و تیم‌ها از اختلاف وزارت و کمیته آسیب نبینند. کار به جایی رسیده بود که باید مراقب بودیم حرفی از این مدیر به گوش آن مدیر نرسد. شاید باورتان نشود، یکی، دو روز جواب تلفن برخی از افراد را ندادم تا حاشیه‌ها کمتر شود. البته کارهایی که مربوط به کاروان بود را انجام می‌دادم، اما احساس کردم باید شرایطی به‌وجود بیاید که در آرامش کار را دنبال کنم. خودم سعی می‌کردم هم کارهای سرپرستی مربوط به کاروان را انجام بدهم و هم به ورزشکاران سر بزنم و مسابقات آنها را ببینم. خدا را شکر می‌کنم که باوجود حاشیه‌های زیادی که برای ورزش به‌وجود آمده بود، در لندن بهترین نتیجه‌ی تاریخ ورزش در المپیک را گرفتیم؛ نتیجه‌ای که مطمئن‌ام دیگر در ورزش ایران تکرار نمی‌شود.»

مدال‌ها را تقسیم می‌کردیم تا مسئولان دعوایشان نشود

او در این بین، یاد ماجرای بین علی‌آبادی و سعیدلو در بازی‌ای آسیایی گوانگجو می‌افتد و دردسرهایی که از همین جنس داشته است: «آنجا هم کار سخت بود. سر این مدال دادن،



مشکلاتی پیش آمد که بهتر است درباره‌ی آنها حرف نزنیم. فقط یک مورد را بگویم که فکر کنم خودتان هم در سالن بودید و دیدید. وضعیت به‌گونه‌ای شده بود که سعی می‌کردیم از ارتباطات خودمان استفاده کنیم تا سهم برابری در مدال دادن نصیب مسئولان ورزش ایران شود! یکی از ماجراهایی که اتفاق افتاد، در سالن ووشو بود. قرار بود مسئولی از کشوری دیگر که از دوستان ما هم بود، مدال یکی از وزن‌هایی که بچه‌های ما در آن وزن روی سکو رفته بودند را بدهد.

به همراه آقای علی‌نژاد، از او خواستیم مدال این وزن را ندهد تا بتوانیم یکی از مسئولان خودمان را جایگزین کنیم و در نهایت این اتفاق افتاد. تا روز آخر بازی‌ها سر این موضوع مسئله داشتیم و فقط خدا می‌داند که چقدر آن روزها پر استرس گذشت. البته خدا را شکر کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ هم نتایج خوبی گرفت و چهارم آسیا شد.»

سه طلای فرنگی، نتیجه‌ی اعتماد به بنا بود

از گوانگجو دوباره به لندن برمی‌گردیم، جایی که افشارزاده می‌گوید حمید سوریان اشک‌اش را درآورده است: «مدال‌های خوبی به دست آوردیم که هیچوقت نمی‌توانم آن لحظات را فراموش کنم. اما از بین آنها، مدالی که خیلی من را تحت تاثیر قرار داد، مدال حمید سوریان بود. نمی‌دانم به‌خاطر ماجرای بود که در پکن برای سوریان پیش آمده بود یا اینکه فکر می‌کردم با نتیجه‌گیری او، بقیه‌ی بچه‌ها هم روحیه می‌گیرند. هرچه که بود آنقدر خوشحال بودم که گریه‌ام گرفت. شب قبل از مسابقه‌ی سوریان، تا دیروقت با محمد بنا صحبت می‌کردیم. نگران بودم که چه اتفاقی می‌افتد، البته مطمئن بودم بنا کارش را خوب بلد است و به همین خاطر از او و برنامه‌هایش حمایت می‌کردم تا چیزی که می‌خواهد عملی شود. البته در یکی، دو مقطع دلخوری‌هایی بین او و فدراسیون پیش آمد که مدیریت شد و منجر شد به نتیجه‌ی تاریخی سه طلا در کشتی فرنگی. این مدال‌ها نتیجه‌ی اعتماد به محمد بنا و حمایت از او بود. الان که به آن روزها فکر می‌کنم، دلام برای المپیک لندن و حال خوب‌اش

اگر مهماندوست می‌ماند، یوسف مدال می‌گرفت

مدال‌های بارزاشی در لندن به دست آمد که به گفته‌ی افشارزاده می‌توانست بیشتر باشد، البته اگر پولادگر در مورد رضا مهماندوست اشتباه نمی‌کرد: «یادم نمی‌رود که با مهماندوست چطور رفتار شد. با توجه به شرایطی که تیم‌های ملی داشتند و شناختی که از مربیان سه تیم اصلی داشتیم، در هیات اجرایی تصمیم گرفتیم حقوق پنج میلیونی به مربیان تیم‌های کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو بدهیم. اشتباهمان این بود که پول را به حساب فدراسیون واریز کردیم. در دو فدراسیون وزنه‌برداری و کشتی مشکلی پیش نیامد، اما در تکواندو متأسفانه آقای پولادگر تحت تاثیر ذوالقدر قرار گرفت و در نهایت کاری کرد که نباید می‌کرد. مهماندوست مربی بسیار خوبی است و حق‌اش بود که بیشتر به او توجه شود. ضمن اینکه ما می‌دانستیم مشکلات شخصی زیادی دارد و این تصمیم را گرفتیم تا در فاصله‌ی چند ماه مانده به المپیک، مربیان با آرامش بیشتری کارشان را دنبال کنند. با اینکه چند جلسه با هر دو طرف داشتیم، برخی نگذاشتند موضوع حل شود و در نهایت در آستانه‌ی المپیک، مهماندوست رفت. من هنوز هم معتقدم اگر مهماندوست می‌ماند، حتما در لندن در رشته‌ی تکواندو نتیجه‌ی بهتری می‌گرفتیم. شک ندارم که یوسف کرمی مدال می‌گرفت. من با شناخت این حرف را می‌زنم. قبل از المپیک، به همه‌ی اردوها سر می‌زدیم. باید دارم سال تحویل آن سال را همراه ملی‌پوشان کشتی بزرگ‌اندم. پس وضعیت تک‌تک المپیک‌ها را می‌دانستم و بدون تردید می‌گویم یوسف کرمی باید یکی از مدال‌آوران ما و حتی طلایی‌های ما در لندن می‌شد، اما با شرایطی که به‌وجود آمد، همه چیز به‌هم ریخت. فدراسیون نباید آنقدر راحت از کنار مهماندوست می‌گذشت. او مربی بزرگی است که به نظرم ما در ورزش ایران قدرش را ندانستیم.»